

تاریخ آموزش و پرورش در ایران

بخش اول

ایران باستان

فاطمه محمودیان

کلید واژه‌ها: ایران، آموزش و پرورش، ایران باستان.

اشاره

کشور ایران تاریخی پر فراز و نشیب دارد. قبل از ورود آریایی‌ها به ایران، بومیانی از اقوام مختلف در این سرزمین زندگی می‌کردند که اطلاع اندکی از آن‌ها در دست است. بی‌شک این اقوام گوناگون از فرهنگ‌ها و روش‌های تربیتی متفاوتی برخوردار بوده‌اند. با این همه آموزش و پرورش ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: ۱. ایران باستان؛ ۲. ایران اسلامی.

در این شماره از مجله، آموزش و پرورش در دوره‌ی ایران باستان را معرفی می‌کنیم و در شماره‌های بعدی، درباره‌ی آموزش و پرورش دوران ایران اسلامی سخن خواهیم گفت.

در ایران باستان

عوامل مؤثر بر تربیت

در ایران باستان، عوامل اولیه‌ی تربیت عبارت بودند از طبیعت، وضعیت جغرافیایی کشور و آرا و عقایدی که آریایی‌ها با خود آورده بودند و زرتشت آن‌ها را پیراسته و اصلاح کرده بود. وقتی در ایران حکومت متمرکز و مقتدر به وجود آمد، دولت نیز در شمار عوامل مؤثر بر تربیت درآمد.

محیط‌های یادگیری

اولین و ابتدایی‌ترین محل یادگیری، به طور عام خانه بوده و

پدر و مادر عهده‌دار آموزش و پرورش بوده‌اند. ولی به مرور پایه‌پای تشکیلات اجتماعی و تمرکز خانواده‌ها، مکان آموزشی به «خانه‌ی مربی» انتقال یافت که نخستین محل تدریس گروهی یا مکتب‌خانه به حساب می‌آید. با رواج دین زرتشت، آتشکده نیز برای آموزش مورد استفاده قرار گرفت و مدت‌ها عهده‌دار این نقش مهم بود. شاگردان هر روز از سحر شروع به تحصیل می‌کردند، زیرا سحرخیزی در اوستا ستوده شده است.

هدف‌های آموزش و پرورش

در آموزش و پرورش ایران عهد باستان، هدف‌هایی دنبال می‌شدند که به طور عمده از عقاید دینی و پرورش اجتماعی و معنوی سرچشمه‌می گرفتند:

- آموزش علم به عنوان فریضه‌ای دینی؛
- پرورش کودکان، نوجوانان و آماده کردن آنان برای خدمت به جامعه، خانواده و بهبودی حال و برتری بر دیگران؛
- پرورش روحیه‌ی درستکاری، کف نفس و بردباری در افراد؛
- تقویت روحیه‌ی جوانمردی و رعایت حقوق دیگران؛
- پرورش قدرت تحمل شداپد و سختی‌ها؛
- آموزش دست‌کم یکی از فنون و هنرهای رایج؛
- تربیت بدنی شامل: اسب‌سواری، تیراندازی، شکار، چوگان و ژوبین‌اندازی؛
- آماده کردن دختران برای خانه‌داری و انجام وظایف مادری؛

● تربیت متخصص از طریق آموزش عالی.

معلمان و شاگردان

در ایران باستان، معلم، از طریق آموزش و پرورش نوباوگان و فرزندان اجتماع، مهم‌ترین نقش را در سازمان جامعه به عهده داشت. برای همین، بی‌نهایت مورد علاقه، احترام و توجه خاص بوده است. معلمان، مهم‌ترین و مطمئن‌ترین واسطه‌ی انتقال تمدن، فرهنگ و دانش گذشتگان به نسل‌های آینده بودند. هم اینان بودند که با رهبری معنوی، موجب تحولات اجتماعی و حافظ سنت‌های فرهنگی ما شدند. در روزگار زرتشت و زمان شاهنشاهی، مغان وظیفه‌ی سنگین معلمی را به عهده داشتند و کلیه‌ی آموزش‌ها را بر مبنای اصول تعالیم زرتشت به مردم می‌آموختند. تخصص، مورد توجه بود و هر معلم با توجه به تخصص خود تعلیم می‌داد. رابطه‌ی بین معلم و شاگرد هم بر پایه‌ی مهر و اخلاص بود.

مقام اجتماعی معلم در ردیف اول قرار داشت و حتی معلم بیش از والدین مورد احترام بود. مقام معلم به اندازه‌ی شامخ بود که در اوستا، زرتشت، معلم خوانده شده. چنان که در یسنا آمده است: «زرتشت آموزگار راستی بود و اندیشه‌ی راستی را در جهان منتشر ساخت. از این‌رو بود که به او گفتار دل‌پذیر داده شد.»

معلم روحانی موظف بود شب را به مطالعه و فراگرفتن درس بپردازد، چنان که در فرگرد و نذیر آمده است: «ای زرتشت مقدس، کسی را معلم روحانی بخوان که تمام شب مطالعه کند و از خردمندان درس بیاموزد تا از تشویق خاطر فارغ شود و سر پل صراط با قوت قلب و نشاط باشد و به عالم مقدس جاودانی یعنی بهشت نایل گردد.» وقتی معلم دارای چنین صفاتی شد، باید نسبت به او حق شناس بود و برای او دعا کرد.

دانش آموزان نیز به چند دسته تقسیم می‌شدند:

۱. دانش آموزان خاص

شاهزادگان که علوم سیاسی، جنگی و کشورداری را می‌آموختند؛ بزرگان‌زادگان که علوم جنگی و سیاسی را تعلیم می‌گرفتند.

۲. دانش آموزان حرفه‌ای

فرزندان مغان، هیربدان و موبدان که برای کسب علوم دینی آماده می‌شدند.

فرزندان پیشه‌وران، اصناف و صنعت‌گران که هر یک فنون و صنایع پدر را می‌آموختند.

۳. دانش آموزان عمومی

فرزندان آموزگاران، کارمندان و بازرگانان که آموزش فرهنگی و اقتصادی را فرا می‌گرفتند.

سطوح و دوره‌های تحصیلی

در ایران باستان، تربیت کودکان سنین ۵ تا ۷ ساله به وسیله‌ی خانواده به ویژه مادر، خواهر و عمه صورت می‌گرفت. پس از تربیت خانوادگی، کودک به معلم سپرده و آموزش عمومی شروع می‌شد و تا ۱۵ سالگی، تربیت ادامه می‌یافت. در این سن، هر زرتشتی موظف بود تکالیف مذهبی‌اش را انجام دهد.

مواد درسی هم عبارت بودند از: دین و اخلاق، تربیت بدنی، سواد پایه (خواندن، نوشتن و حساب کردن)، علم‌الاشیا، دروس عملی کشاورزی، دام‌پروری و درخت‌کاری.

آموزش‌ها به طور نظری و عملی انجام می‌شدند و همه‌ی شاگردان برنامه‌ی تحصیلی یکسانی را طی می‌کردند. آموزش‌های تخصصی با زمان بلوغ مصادف بود. استعداد افراد شناخته می‌شد و نوجوانان به رشته‌های تخصصی راهنمایی می‌شدند. آموزش و پرورش در این مرحله پیچیده‌تر و جدی‌تر می‌شد و علم و عمل در هم می‌آمیخت. نوجوانان پسر، ۱۰ سال پس از کارآموزی، در طبقه‌ی مردان پذیرفته می‌شدند. در این مرحله، پسران برای امور صنعتی و حرفه‌ای سایر امور اجتماعی و دختران برای خانه‌داری تربیت می‌شدند. پایان سن تحصیلی برای شاهزادگان ۲۰ تا ۲۴ سالگی بود.

یکی از بارزترین مراکز علمی و آموزشی دوره‌ی ایران باستان که تا قرن سوم هجری به فعالیت خود، خصوصاً در دانش پزشکی ادامه داد، دانشگاه مشهور جندی شاپور یا گندی شاپور است. این دانشگاه در میان آموزشگاه‌های عالی موجود در مرزهای ایران آن زمان و چند آموزشگاه دیگر در مرزهای تاریخی ایران و امپراتوری روم، از شهرت و امتیاز بیشتری برخوردار بوده است. این دانشگاه در جنوب غربی ایران (در شرق شوش یا جنوب شرق دزفول و شمال غربی شوشتر) واقع بود؛ جایی که دهکده‌ی شاه‌آباد فعلی بنا شده است. معروف است که بر سر در این دانشگاه چنین نوشته شده بود: «دانش و فضیلت برتر از بازو و شمشیر است.»

محاسن و معایب تعلیم و تربیت

از محاسن تعلیم و تربیت ایران باستان، می‌توان به پرورش پاک‌ی و صداقت، قناعت، جوانمردی، سلحشوری و میهن دوستی اشاره کرد. دستگاه آموزش و پرورش در انحصار طبقه‌های برجسته و شاهزادگان و اعیان و اشراف بود و توده‌ی مردم یعنی اکثریت جامعه‌ی آن زمان، از نعمت تحصیل و تربیت در آموزشگاه محروم بودند. عیب دیگر القای عقیده بود که حس فرمان‌برداری مطلق و تسلیم کورکورانه در برابر قدرت و قوه‌ی قهریه را ایجاد می‌کرد و به کلی شخصیت افراد را از بین می‌برد. اختیار افراد در دست زمامداران و کارکنان دولت بود و از خود اراده و عقیده نداشتند.

منابع

۱. آهنجیده، اسفندیار. شناخت تاریخ آموزش و پرورش اسلام در ایران. آهنجیده، شهرکرد، ۱۳۸۱.
۲. الماسی، علی محمد. تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در اسلام و ایران. رشد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۳. حکمت، علیرضا. آموزش و پرورش در ایران باستان. مؤسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، تهران، ۱۳۵۰.
۴. درآنی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام. سمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۵. صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۴۹.
۶. صفوی، امان‌الله. تاریخ آموزش و پرورش ایران باستان تا ۱۳۸۰ ه.ش. رشد، تهران، ۱۳۸۳.
۷. ضمیری، محمدعلی. تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. راهگشا، شیراز، چاپ ششم، ۱۳۷۵.

دستگاه آموزش و پرورش در انحصار طبقه‌های برجسته و شاهزادگان و اعیان و اشراف بود و توده‌ی مردم یعنی اکثریت جامعه‌ی آن زمان، از نعمت تحصیل و تربیت در آموزشگاه محروم بودند

مقام اجتماعی معلم در ایران باستان در ردیف اول قرار داشت و حتی معلم بیش از والدین مورد احترام بود

